

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منتشر شده شده در نیویورک تایمز

نویسندگان: جولین ای. بارنز، اریک اشویت، مگی هابرمن و رونن برگمن
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: عثمان حیدری
۱۸ اپریل ۲۰۲۰

متن کامل مقاله نیویارک تایمز:

ترمپ پس از بروز اختلاف نظرها در دولتش، حمله اسرائیل به ایران را متوقف کرد.



Eric Lee/The New York Times

واقعیت یا جوسازی برای تسلیم ایران؟ (مترجم)

اسرائیل طرح‌هایی برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران تدوین کرده بود که نیازمند کمک ایالات متحده بود. اما برخی از مقامات دولت [ترمپ] تردید داشتند.

به گفته مقامات دولت [ترمپ] و دیگر افراد مطلع از مذاکرات، اسرائیل قصد داشت به محض شروع ماه آینده به سایت‌های هسته‌ای ایران حمله کند، اما در هفته‌های اخیر، رئیس‌جمهور ترمپ به جای حمایت از این حمله و به منظور مذاکره با تهران برای محدود کردن برنامه هسته‌ای آن، این اقدام را متوقف کرد.

آقای ترمپ این تصمیم را پس از ماه‌ها بحث داخلی در مورد این که آیا باید دیپلماسی را دنبال کند یا از تلاش اسرائیل برای عقب راندن توانایی ایران در ساخت بمب حمایت کند، اتخاذ کرد. این در حالی بود که ایران از نظر نظامی و اقتصادی تضعیف شده بود.

این بحث، شکاف‌هایی را بین مقامات کابینه آمریکا که از نظر تاریخی مواضع تندروانه‌ای داشتند و دیگر مشاورانی که نسبت به این که حمله نظامی به ایران بتواند جامطلبی‌های هسته‌ای این کشور را نابود کند و از وقوع یک جنگ بزرگتر جلوگیری کند، تردید بیشتری داشتند، برجسته کرد. در حال حاضر، یک اجماع نسبی علیه اقدام نظامی حاصل شده است، و ایران نیز آمادگی خود را برای مذاکره نشان داده است.

مقامات اسرائیلی اخیراً طرح‌هایی برای حمله به سایت‌های هسته‌ای ایران در ماه مه تدوین کرده بودند. آنها آماده اجرای این طرح‌ها بودند و در برخی مواقع خوشبین بودند که ایالات متحده با آن موافقت خواهد کرد. به گفته مقامات مطلع از این طرح‌ها، هدف از این پیشنهادات، به تعویق انداختن توانائی تهران برای ساخت سلاح هسته‌ای به مدت یک سال یا بیشتر بود.

تقریباً تمام این طرح‌ها نیازمند کمک ایالات متحده نه تنها برای دفاع از اسرائیل در برابر تلافی ایران، بلکه برای اطمینان از موفقیت حمله اسرائیل بود، که این امر ایالات متحده را به یک بخش اصلی از خود حمله تبدیل می‌کرد. در حال حاضر، آقای ترمپ دیپلماسی را بر اقدام نظامی ترجیح داده است. او در دوره اول ریاست جمهوری خود، توافق هسته‌ای ایران که توسط دولت اوباما مذاکره شده بود را پاره کرد. اما در دوره دوم ریاست جمهوری خود، که مشتاق بود از کشیده شدن به جنگ دیگری در خاورمیانه اجتناب کند، مذاکرات با تهران را آغاز کرده و ضرب‌الاجلی چند ماهه برای مذاکره بر سر برنامه هسته‌ای آن تعیین کرده است.

در اوایل این ماه، آقای ترمپ تصمیم خود مبنی بر عدم حمایت ایالات متحده از حمله را به اسرائیل اطلاع داد. او هفته گذشته در دیدار با بنیامین نتانیاو، نخست‌وزیر اسرائیل در واشنگتن، این موضوع را مورد بحث قرار داد و از جلسه دفتر بیضی برای اعلام آغاز مذاکرات ایالات متحده با ایران استفاده کرد.

آقای نتانیاو پس از این دیدار در بیانیه‌ای که به زبان عبری ایراد کرد، گفت که توافق با ایران تنها در صورتی کارساز خواهد بود که به امضاکنندگان اجازه دهد تا «تحت نظارت و اجرای آمریکا وارد [تأسیسات] شوند، تجهیزات را منفجر کنند و تمام آنها را برچینند.»

این گزارش بر اساس صحبت با چندین مقام مطلع از طرح‌های نظامی محرمانه اسرائیل و بحث‌های محرمانه درون دولت ترمپ تهیه شده است. اکثر افراد مصاحبه‌شده به شرط ناشناس ماندن در مورد برنامه‌ریزی نظامی صحبت کردند. اسرائیل مدت‌هاست که برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران برنامه‌ریزی کرده و تمرین‌های پرواز بمبافکن‌ها را انجام داده و میزان خسارتی را که می‌تواند با یا بدون کمک آمریکا وارد کند، محاسبه کرده است. اما پس از آن که ایران در سال گذشته با یک سری شکست‌ها مواجه شد، حمایت از حمله در داخل دولت اسرائیل افزایش یافت.

در حملات اپریل به اسرائیل، اکثر راکت‌های بالستیک ایران نتوانستند از پدافندهای امریکائی و اسرائیلی عبور کنند. حزب‌الله، متحد اصلی ایران، در جریان یک کارزار نظامی اسرائیل در سال گذشته بشدت تضعیف شد. سقوط متعاقب دولت بشار اسد در سوریه، متحدی برای حزب‌الله و تهران را از بین برد و یک مسیر اصلی قاچاق سلاح از ایران را قطع کرد.

سیستم‌های دفاع هوایی در ایران و سوریه نیز به همراه تأسیساتی که ایران برای تولید سوخت راکت از آنها استفاده می‌کند، منهدم شدند و توانائی این کشور برای تولید راکت‌های جدید برای مدتی مختل شد.

در ابتدا، به درخواست آقای نتانیا هو، مقامات ارشد اسرائیلی همتایان امریکائی خود را در جریان طرحی قرار دادند که ترکیبی از حمله کماندوئی اسرائیل به سایت‌های هسته‌ای زیرزمینی و یک کارزار بمباران بود، اقدامی که اسرائیلی‌ها امیدوار بودند شامل هواپیماهای امریکائی نیز بشود.

اما مقامات نظامی اسرائیل گفتند که عملیات کماندوئی تا اکتوبر آماده نخواهد شد. آقای نتانیا هو خواهان اجرای سریع‌تر آن بود. به گفته مقامات مطلع از این طرح، مقامات اسرائیلی شروع به تغییر به سمت پیشنهادی برای یک کارزار بمباران طولانی‌مدت کردند که آن نیز نیازمند کمک امریکا بود.

برخی از مقامات امریکائی حداقل در ابتداء نسبت به بررسی طرح‌های اسرائیل رویکرد بازتری داشتند. جنرال مایکل ای. کوریل، رئیس ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده، و مایکل والتز، مشاور امنیت ملی، هر دو در مورد چگونگی حمایت احتمالی ایالات متحده از حمله اسرائیل، در صورت حمایت آقای ترمپ از این طرح، بحث کردند. با تشدید جنگ ایالات متحده علیه شبه‌نظامیان حوثی تحت حمایت ایران در یمن، جنرال کوریل، با تأیید کاخ سفید، شروع به انتقال تجهیزات نظامی به خاورمیانه کرد. دومین ناو هواپیمابر، کارل وینسون، اکنون در بحیره عرب مستقر شده و به ناو هواپیمابر هری اس. ترومن در بحیره سرخ پیوسته است.

ایالات متحده همچنین دو دستگاه راکتی پاتریوت و یک دستگاه دفاع راکتی ارتفاع بالا (THAAD) را به خاورمیانه منتقل کرد.

حدود نیم دوجین بمبافکن B-2 که قادر به حمل بمب‌های ۳۰ هزار پوندی و برای تخریب برنامه هسته‌ای زیرزمینی ایران ضروری هستند، به دیه‌گو گارسیا، یک پایگاه جزیره‌ای در اقیانوس هند، اعزام شدند.

انتقال هواپیماهای جنگنده بیشتر به منطقه، احتمالاً به یک پایگاه در اسرائیل، نیز مورد بررسی قرار گرفت. تمام این تجهیزات می‌توانند برای حملات علیه حوثی‌ها مورد استفاده قرار گیرند – کسانی که ایالات متحده از ۱۵ مارچ به منظور متوقف کردن حملات آنها به کشتی‌های تجاری در بحیره سرخ به آنها حمله کرده است. اما مقامات امریکائی در خفا گفتند که این تسلیحات بخشی از برنامه‌ریزی برای حمایت احتمالی از اسرائیل در درگیری با ایران نیز بوده است.

حتی اگر ایالات متحده تصمیم می‌گرفت که مجوز شرکت هواپیماهای خود در حمله به ایران را ندهد، اسرائیل می‌دانست که جنگنده‌های امریکائی برای دفاع در برابر حملات متحدان ایران در دسترس خواهند بود. نشانه‌هایی وجود داشت که آقای ترمپ نسبت به حمایت ایالات متحده از اقدام نظامی اسرائیل علیه ایران روی خوش نشان می‌دهد. ایالات متحده مدت‌هاست که ایران را متهم به دادن سلاح و اطلاعات به حوثی‌ها و اعمال حداقل درجاتی از کنترل بر این گروه کرده است. در ۱۷ مارچ، در حالی که آقای ترمپ به حوثی‌های یمن هشدار داد تا حملات خود را متوقف کنند، از ایران نیز نام برد و گفت که این کشور کنترل حوثی‌ها را در دست دارد. آقای ترمپ در یک پست رسانه‌های اجتماعی نوشت: «از این به بعد، هر تیری که توسط حوثی‌ها شلیک شود، به عنوان تیری شلیک‌شده از سلاح‌ها و رهبری ایران تلقی خواهد شد.» او افزود: «ایران مسؤول شناخته خواهد شد و عواقب آن را متحمل خواهد شد، و آن عواقب وخیم خواهد بود!»

دلایل زیادی وجود داشت که مقامات اسرائیلی انتظار داشتند آقای ترمپ رویکردی تهاجمی در قبال ایران اتخاذ کند. در سال ۲۰۲۰، او دستور کشتن جنرال قاسم سلیمانی، فرمانده زبده‌ترین واحد نظامی ایران را صادر کرد. و به گفته یک کیفرخواست وزارت دادگستری، ایران در جریان مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری سال گذشته به دنبال استخدام قاتل برای ترور آقای ترمپ بود.

اما در داخل دولت ترمپ، برخی از مقامات نسبت به طرح اسرائیل تردید پیدا کرده بودند.

در جلسه‌ای در این ماه – یکی از چندین بحث در مورد طرح اسرائیل – تولسی گابارد، رئیس اطلاعات ملی، ارزیابی اطلاعاتی جدیدی ارائه کرد که می‌گفت افزایش تسلیحات امریکائی می‌تواند به طور بالقوه منجر به درگیری گسترده‌تری با ایران شود که ایالات متحده خواهان آن نیست.

طیف وسیعی از مقامات در جلسات مختلف نگرانی‌های خانم گابارد را تکرار کردند. سوزی وایلز، رئیس دفتر کارکنان کاخ سفید؛ پیت هگست، وزیر دفاع؛ و جیدی ونس، معاون رئیس‌جمهور، همگی نسبت به این حمله ابراز تردید کردند. حتی آقای والتز، که اغلب یکی از تندروترین صداها در مورد ایران بود، نسبت به موفقیت طرح اسرائیل بدون کمک قابل توجه امریکا تردید داشت.

جلسات اخیر اندکی پس از آن برگزار شد که ایرانی‌ها اعلام کردند که آماده مذاکرات غیرمستقیم – ارتباط از طریق یک واسطه – هستند. در ماه مارچ، آقای ترمپ نامه‌ای ارسال کرده و پیشنهاد مذاکرات مستقیم با ایران را داده بود، اقدامی که به نظر می‌رسید آیت‌الله علی خامنه‌ای رهبر ایران، آن را رد کرده است. اما در ۲۸ مارچ، یک مقام ارشد ایرانی نامه‌ای در پاسخ ارسال کرد که نشان‌دهنده آمادگی برای مذاکرات غیرمستقیم بود.

هنوز بحث‌های قابل توجهی در داخل تیم آقای ترمپ در مورد این که چه نوع توافقی با ایران قابل قبول خواهد بود، وجود دارد. دولت ترمپ سیگنال‌های متناقضی در مورد نوع توافق مورد نظر خود و عواقب عدم توافق ایران ارسال کرده است.

در یکی از بحث‌ها، آقای ونس با حمایت دیگران استدلال کرد که آقای ترمپ فرصت بی‌نظیری برای دستیابی به توافق دارد.

به گفته مقامات دولت، آقای ونس گفت که اگر مذاکرات شکست بخورد، آقای ترمپ می‌تواند از حمله اسرائیل حمایت کند.

جنرال کوریل در جریان سفر به اسرائیل در اوایل این ماه به مقامات آنجا گفت که کاخ سفید می‌خواهد طرح حمله به تأسیسات هسته‌ای را به تعویق بیندازد.

آقای نتانیاهو در ۳ اپریل با آقای ترمپ تماس گرفت. به گفته مقامات اسرائیلی، آقای ترمپ به آقای نتانیاهو گفت که نمی‌خواهد در مورد طرح‌های ایران از طریق تلفن صحبت کند. اما او از آقای نتانیاهو دعوت کرد تا به کاخ سفید بیاید. آقای نتانیاهو در ۷ اپریل وارد واشنگتن شد. در حالی که این سفر به عنوان فرصتی برای او برای استدلال علیه تعرفه‌های آقای ترمپ مطرح شد، مهم‌ترین بحث برای اسرائیلی‌ها، حمله برنامه‌ریزی‌شده آنها به ایران بود. اما در حالی که آقای نتانیاهو هنوز در کاخ سفید بود، آقای ترمپ به طور علنی مذاکرات با ایران را اعلام کرد.

به گفته مقامات مطلع از مذاکرات، آقای ترمپ در بحث‌های خصوصی به آقای نتانیاهو تصریح کرد که در حالی که مذاکرات در جریان است، از حمله اسرائیل در ماه مه حمایت نخواهد کرد.

روز بعد، آقای ترمپ پیشنهاد کرد که حمله نظامی اسرائیل علیه ایران همچنان یک گزینه است. آقای ترمپ گفت: «اگر نیاز به اقدام نظامی باشد، ما اقدام نظامی خواهیم کرد. اسرائیل، بدیهی است، رهبر آن خواهد بود.»

پس از دیدار آقای نتانیاهو، آقای ترمپ، جان راتکلیف، رئیس سیا را مأمور سفر به اورشلیم کرد. چهارشنبه گذشته، آقای راتکلیف با آقای نتانیاهو و دیوید بارنیا، رئیس سازمان جاسوسی موساد، دیدار کرد تا در مورد گزینه‌های مختلف مقابله با ایران صحبت کند.

به گفته فردی مطلع از سفر آقای راتکلیف، علاوه بر مذاکرات و حملات، گزینه‌های دیگری نیز مورد بحث قرار گرفت، از جمله عملیات‌های مخفیانه اسرائیل که با حمایت ایالات متحده انجام می‌شود و اعمال تحریم‌های تهاجمی‌تر. برایان هیوز، سخنگوی شورای امنیت ملی، گفت که «تمام تیم رهبری امنیت ملی» دولت به سیاست ایران آقای ترمپ و تلاش‌ها برای «تضمین صلح و ثبات در خاورمیانه» متعهد است.

آقای هیوز گفت: «رئیس‌جمهور ترمپ صریحاً اعلام کرده است: ایران نمی‌تواند سلاح هسته‌ای داشته باشد و تمام گزینه‌ها روی میز است.» او افزود: «رئیس‌جمهور مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم با ایران را برای روشن ساختن این نکته مجاز دانسته است. اما او همچنین تصریح کرده است که این وضعیت نمی‌تواند برای همیشه ادامه یابد.»

کاخ سفید و سازمان سیا به درخواست‌ها برای اظهار نظر پاسخ ندادند. دفتر مدیر اطلاعات ملی، سؤالات را به شورای امنیت ملی ارجاع داد. وزارت دفاع از اظهار نظر خودداری کرد. دفتر آقای نتانیاهو و نیروهای دفاعی اسرائیل نیز از اظهار نظر خودداری کردند.

آقای نتانیاهو با تحت فشار قرار دادن آقای ترمپ برای پیوستن به حمله، در حال تکرار بحثی بود که نزدیک به دو دهه با رؤسای جمهور امریکا داشته است.

آقای نتانیاهو که توسط همتایان امریکایی خود متوقف شده بود، در عوض بر عملیات‌های خرابکاری مخفیانه علیه تأسیسات خاص و ترور دانشمندان هسته‌ای ایران تمرکز کرده است. در حالی که این تلاش‌ها ممکن است برنامه را کند کرده باشد، اما اکنون این برنامه بیش از هر زمان دیگری به توانایی تولید شش یا چند سلاح هسته‌ای در عرض چند ماه یا یک سال نزدیک شده است.

مقامات امریکایی مدت‌هاست که گفته‌اند اسرائیل به تنهایی و تنها با یک کارزار بمباران نمی‌تواند خسارت قابل توجهی به سایت‌های هسته‌ای ایران وارد کند. اسرائیل مدت‌هاست که به دنبال بزرگترین بمب متعارف امریکا – یک بمب سنگرشکن ۳۰ هزار پوندی – بوده است که می‌تواند خسارت قابل توجهی به سایت‌های کلیدی هسته‌ای ایران در زیر کوه‌ها وارد کند.

اسرائیل گزینه‌های مختلفی را برای حمله ماه مه در نظر گرفت که بسیاری از آنها را با مقامات امریکایی در میان گذاشت.

آقای نتانیاهو در ابتدا بر گزینه‌ای اصرار داشت که حملات هوایی را با حملات کماندوئی ترکیب می‌کرد. این طرح نسخه بسیار جاه‌طلبانه‌تری از عملیاتی بود که اسرائیل در سپتامبر گذشته انجام داد، زمانی که نیروهای اسرائیلی با هلیکوپتر به سوریه پرواز کردند تا یک پناهگاه زیرزمینی مورد استفاده برای ساخت راکت برای حزب‌الله را منهدم کنند.

در آن عملیات، اسرائیل از حملات هوایی برای از بین بردن پست‌های نگهبانی و سایت‌های دفاع هوایی استفاده کرد. سپس کماندوها با طناب از هلیکوپتر فرود آمدند. تیم‌های جنگنده، مسلح به مواد منفجره و سلاح‌های سبک، به تأسیسات زیرزمینی نفوذ کرده و مواد منفجره را برای تخریب تجهیزات کلیدی ساخت تسلیحات کار گذاشتند. اما مقامات امریکایی نگران بودند که تنها برخی از تأسیسات کلیدی ایران توسط کماندوها قابل از بین بردن باشد. اورانیوم با غنای بسیار بالای ایران، نزدیک به درجه تسلیحاتی، در سراسر کشور در چندین سایت پنهان شده است. برای موفقیت، مقامات اسرائیلی می‌خواستند هواپیماهای امریکایی حملات هوایی انجام دهند و از تیم‌های کماندوئی روی زمین محافظت کنند.

اما حتی اگر کمک ایالات متحده ارائه می‌شد، فرماندهان نظامی اسرائیل گفتند که چنین عملیاتی ماه‌ها زمان برای برنامه‌ریزی نیاز دارد. این مسأله مشکلاتی ایجاد می‌کرد. با توجه به این که دوره خدمت جنرال کوریلانتظار می‌رود در چند ماه آینده به پایان برسد، مقامات اسرائیلی و امریکائی می‌خواستند طرحی را توسعه دهند که بتوان آن را در دوران فرماندهی او اجرا کرد.

و آقای نتانیاهو می‌خواست به سرعت عمل کند.

پس از کنار گذاشتن ایده حمله کماندوئی، مقامات اسرائیلی و امریکائی شروع به بحث در مورد طرح یک کارزار بمباران گسترده کردند که قرار بود در اوایل ماه مه آغاز شود و بیش از یک هفته به طول انجامد. حمله اسرائیل در سال گذشته قبلاً سیستم‌های دفاع هوایی اس-۳۰۰ ساخت روسیه ایران را منهدم کرده بود. کارزار بمباران باید با حمله به سیستم‌های دفاع هوایی باقی‌مانده آغاز می‌شد و به جنگنده‌های اسرائیلی اجازه می‌داد مسیر واضح‌تری برای حمله به سایت‌های هسته‌ای داشته باشند.

هرگونه حمله اسرائیل به سایت‌های هسته‌ای، موج جدیدی از راکت‌های ایرانی را علیه اسرائیل به راه می‌انداخت که برای دفع آن به کمک امریکا نیاز بود.

مقامات ارشد ایرانی، از رئیس‌جمهور گرفته تا رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و وزیر امور خارجه، گفته‌اند که ایران در صورت حمله اسرائیل یا ایالات متحده از خود دفاع خواهد کرد.

سردار سرتیپ محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران، در سخنانی در ۱۷ فروردین- حمل- گفت که ایران خواهان جنگ نیست و می‌خواهد بنیست با ایالات متحده را از طریق دیپلماسی حل کند. اما او هشدار داد: «پاسخ ما به هرگونه تجاوز به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، قاطع و پشیمان‌کننده خواهد بود.»

فرنز فصحی در نیویورک و دیوید ای. سنگر در واشنگتن در تهیه این گزارش مشارکت داشتند.

جولین ای. بارنز امور مربوط به سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده و امنیت بین‌المللی را برای تایمز پوشش می‌دهد. او بیش از دو دهه در مورد مسائل امنیتی نوشته است.

اریک اشمیت خبرنگار امنیت ملی تایمز است و بر امور نظامی ایالات متحده و مسائل مربوط به مبارزه با تروریسم در خارج از کشور تمرکز دارد، موضوعاتی که او بیش از سه دهه در مورد آنها گزارش داده است.

مگی هابرمین خبرنگار کاخ سفید تایمز است و در مورد رئیس‌جمهور ترمپ گزارش می‌دهد.

رونن برگمن نویسنده مجله نیویورک تایمز است و در تل ابیب مستقر است.

۱۷ اپریل ۲۰۲۵